

گزیده یی از مقالات سیاسی- تاریخی



میر عبدالرحیم عزیز

از پیشگفتار نویسنده:

این مقاله نظر به حالات سیاسی کشور و جهان در زمان متفاوت تحریر شده است. مطالب مورد بحث آن بیشتر سیاسی، تاریخی، تحلیلی، انتقادی و مبارزاتی بوده که برخورد با افراد و گروه ها را هم شامل میشود. هدف مقاله پرده برداشتن از نیات استعماری متجاوزین و دفاع از هویت ملی و حاکمیت افغانستان است که مورد تاخت و تاز دشمنان داخلی و خارجی میهن ما قرار گرفته است. ما در 45 سال اخیر شاهد حوادث خونینی بودیم که نمایشگران اصلی آن فرزندان ناخلف کشور بوده اند. در اینجا به آن کسانی که خود را در راه آزادی، استقلال و حفظ شرف و عزت مردم خویش قربانی کرده اند، سر تعظیم فرود می آورم و به همه میهن فروشان و خائنان به افغانستان لعنت می فرستم.

فدرالیزم یا توطئه تجزیه طلبان

عده ای از اجنبی پرستان که از سالها بدینسو در خدمت بیگانگان بوده اند، میکوشند که موضوع فدرالیزم یا تجزیه افغانستان را به دستور اربابان بیرون مرزی مطرح ساخته و زمینه را برای انهدام يك افغانستان واحد آماده سازند. تصور میکنم که شاید يك تعداد از هموطنان ناعاقبت اندیش ما آگاهانه یا نا آگاهانه بر تائید این مفکوره تباه کن برآمده اند، بدون اینکه فهم و تحلیل همه جانبه از فدرالیزم و قابلیت تطبیق آن را در افغانستان داشته باشند. در این مختصر میخواهم که سیستم فدرالیزم را مورد ارزیابی قرار داده و تحلیلی از يك توطئه تاریخی که در کمین افغانستان است، خدمت هموطنان تقدیم کنم. فرضیه من بر این استوار است که: "پیش کشیدن موضوع فدرالیزم يك توطئه استعماری است که هدف آن اضمحلال کلی کشور ما و محو آن از نقشه دنیا خواهد بود". پیشنهاد من اینست که "سیستم مرکزیت که بر مبنای دموکراسی و حاکمیت مردمی استوار باشد، میتواند ضامن آزادی های فردی و دموکراتیک گردد."

فدرالیزم چه نوع نظام است؟

از نگاه لغوی، فدریشن (Federation) معنی هم پیمانی و هم عهدی را میدهد و به هر گونه اتحادیه واحد های خود مختار اطلاق میگردد. فدرالیزم يك نوع سیستمی است که کشور های عضو با حفظ آزادی های نسبی داخلی از حاکمیت و استقلال خارجی خود به نفع يك دولت جدید یعنی دولت فدرال منصرف میشوند. بناً در فدرالیزم دو نوع حکومت خلق میگردد: حکومت ایالتی و حکومت فدرال.

تاسیس يك دولت فدرال خود بخود صلاحیت های سیاسی و حقوق بین الدولی واحد های ایالتی را به نفع حکومت فدرال (حکومت مرکزی) از بین برده و نظام جدید یعنی دولت فدرال حاکم بر حیات سیاسی، نظامی و حقوقی در سطوح ملی و بین المللی میگردد.

البته حکومت ایالتی میتوانند از آزادی نسبی داخلی بالاخص در ساحات اقتصادی و اجتماعی برخوردار گردند، آنهم به شرط آنکه با قوانین فدرال در تضاد و تصادم واقع نگردد. قانون اساسی يك کشور فدرال صلاحیت های متفاوتی را برای ایالات مربوطه اعطاء نموده و حدود تشیقات حکومت فدرال و حکومت ایالتی را تعیین میکند. وظیفه اصلی دولت فدرال عبارت است از تأمین امنیت سر تاسری، دفع تجاوز اجنبی (پالیسی دفاعی)، طرح سیاست خارجی، عقد معاهدات بین الدولی و ضرب سکه. درجه تشبث دولت فدرال در امور اقتصادی و اجتماعی و نقش آن در سطوح ملی و ایالتی نظر به حالات خاص همان کشور فدرال است که توسط قوانین داخلی تثبیت می گردد. باید علاوه کرد که صرف دولت فدرال در سطح جهانی قابل شناخت است و صلاحیت عقد معاهدات بین الدولی را با دول خارجی دارد.

شرایط به وجود آمدن يك دولت فدرال

۱. عضویت ارادی نه اجباری

۲. آماده شدن شرایط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی برای تشکیل يك دولت فدرال

۳. بیدار شدن وجدان ملی در تشخیص منافع ملی و رجحان آن بر منافع اجنبی

۴. بلند بودن سطح سواد و دانش

۵. ارجحیت قوانین فدرال بر قوانین ایالتی در ساحات امنیتی، دفاعی و روابط خارجی

افغانستان در حالت کنونی دارای هیچ يك از شرایط متذکره نیست و در آینده هم نظر به عقب ماندگی و ترکیب اجتماعی اش هرگز واجد شرایط نظام فدرالی نخواهد شد. يك کشور پارچه پارچه و يك اجتماع مضمحل به هیچوجه نمیتواند يك سیستم فدرالی را به مفهوم امروزی به وجود آورد. هر گونه سعی در تحمیل نظام فدرالی بر افغانستان در حکم خیانت ملی است که يك عده از اجنبی پرستان آنرا به دل می پروراند. حال دموکراسی نوع غرب را مخرج قرار داده، سولاتی را مطرح میکنم:

آیا يك دولت فدرال میتواند دموکراتیک باشد؟ جواب به این سوال مثبت است. کشور های آلمان، امریکا و کانادا بر اساس پرنسپب های دموکراسی غرب اداره میگردند.

آیا يك دولت فدرال میتواند غیر دموکراتیک باشد؟ جواب به این سوال مثبت است. کشور های پاکستان، فدریشن روسیه، نائیجریا و يك تعداد از کشور های امریکای مرکزی و جنوبی دارای نظام های تحمیلی فدرالی و غیر دموکراتیک و حتی متمایل به سیستم های فاشیستی اند.

آیا يك نظام سیاسی و اداری بر مبنای سیستم مرکزیت میتواند دموکراتیک باشد؟ مثال های متعددی وجود دارد که جواب به این سوال را مثبت جلوه میدهد. فرانسه، ایتالیه، سویدن، جاپان، ناروی و ده ها کشور دیگر میتوانند شامل این دسته بندی شوند. در حقیقت دموکراسی کشور های متذکره با در نظر داشت سهم گیری افراد در حیات سیاسی و اجتماعی و تعدد احزاب بر دموکراسی نوع امریکائی برتری کامل دارد.

آیا يك نظام بر اساس سیستم مرکزیت میتواند غیر دموکراتیک باشد؟ جواب سوال باز هم مثبت است. افغانستان، ایران، سوریه، مصر، ترکیه و ده های دیگر در نقاط مختلف جهان بر مبنای اصول غیر

دموکراتیک و دکتاتوری های شخصی و ضد انسانی اداره میگردند. پس مشاهده می نمائیم که فدرالیزم تنها وسیله تأمین دموکراسی و آزادی های فردی نیست. يك نظامی که بر اساسات مرکزیت اداره میگردد قادر خواهد بود که ارزش های دموکراتیک و آزادی های فردی را به نحو شایسته ای تأمین نماید. اگر عُمال ایران و تاجیکستان و یا ازبکستان به دساتیر اربابان بیگانه مبلغ فدرالیزم اند، پس چرا دولت های متذکره خود سیستم فدرالیزم را نمی پذیرند، درحالیکه اقلیت های متفاوتی در کشور های فوق الذکر زندگی می کنند؟ هر سه کشور بر مبنای موسسات فاسد سیاسی، ایده لوژیک و مذهبی اداره می گردند و مردم شان به بدترین وجه استثمار می شوند که به فردی کمترین صلاحیت ابراز نظر را نمیدهند. پس معلوم میشود که اجانب از عُمال خود در افغانستان چه می خواهند که انجام دهند: اضمحلال و نابودی افغانستان.

خطرات فدرالیزم در افغانستان

۱. آرزومندی روس، پاکستان، ایران و شاید هم هند در جهت اضمحلال افغانستان تحقق می یابد.
۲. فدرالیزم در افغانستان به معنی تقویه و تشویق نژاد پرستی و فیودالیسم قومی و نظامی خواهد بود. مردم افغان نخواهند توانست با هم کیشان خود در سایر نقاط کشور از ترس قومندانان، اربابان و فیودال های محلی تماس حاصل نمایند که این خود باعث خواهد شد هر منطقه به يك انزوای سیاسی و منطقه ئی رجعت نماید.
۳. در صورت تاسیس يك نظام فدرالی، تلاقی های فکری و فرهنگی میان افراد کشور در سطوح مختلف معدوم خواهد شد و افراد محدود و منحصر به منطقه و ساحه خویش باقی خواهند ماند و در زیر ستم رهبران تنگ نظر و فاشیستی خود دست و پا خواهند زد.
۴. فدرالیزم خصلت کاملاً ارتجاعی داشته و زمینه ساز کشمکش و زدو خورد های طولانی خواهد بود.
۵. فدرالیزم همبستگی ملی را که برای اعاده استقلال و حاکمیت ملی افغانستان حتمی شمرده میشود، درهم خواهد شکست و مردم کشور را در تقابل هم قرار خواهد داد .
۶. فدرالیزم يك نوع توطئه علیه تمامیت ارضی کشور به وسیله عُمال اجانب است. آرزومندی چنین اشخاص این است که افغانستان از نقشه دنیا محو و هر قسمتی از آن به ایران، پاکستان و کشور های آسیای مرکزی تعلق گیرد. با فدرالیزم، این اشخاص به هدف عمده خود یعنی نابودی افغانستان نزدیک تر میشوند.
۷. فدرالیزم زمینه مداخلات اجانب خصوصاً کشور های همسایه را که آرزوی دیرینه در تصرف خاک های افغانستان داشته اند، بیشتر مهیا خواهد ساخت. همسایگان متجاوز به بهانه حمایت از هم کیشان نژادی و مذهبی خود يك قسمتی از قلمرو کشور ما بالاخص نواحی سرحدی را تحت تاثیر و حتی اشغال خواهند داشت. خصوصاً ادعای ایران بر قسمتی از خاک افغانستان در جهت تشکیل ایران بزرگ و یا توسعه طلبی پاکستان بسوی افغانستان و یا عظمت طلبی تاجیکستان به منظور تشکیل يك تاجیکستان کبیر زنگ خطری است که صدای آن هر لحظه به احتراز در خواهد آمد.
۸. بعضی از عناصر ارتجاعی در امریکا هم حمایت خود را از تطبیق نظام فدرالیزم در افغانستان ابراز داشته اند. امریکائیان با نداشتن عمق نظر و فهم کافی از جامعه ما و یا داشتن هدف دور دست در مستعمره ساختن افغانستان، صرف میخوانند به جهانیان نشان دهند که نوع موسسات سیاسی و نظام فدرالی امریکا هم می تواند در آن سوی دنیا قابل تطبیق باشد.

پس به این نتیجه میرسیم که با درك واقعیت های ملی و خصوصیات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و جیوپولیتیک افغانستان و با آگاهی از مجاورت کشور ما با همسایگان مداخله گر و عظمت طلب، اداره کشور ما مانند اکثر دولی که دارای شرایط مشابه میباشند، صرف از طریق مرکزیت میسر خواهد شد. در چنین يك اداره، اصول و پرنسیپ های دموکراسی موازی و متناسب با شرایط خاص و سطح تکامل جامعه مصیبت زده ما مورد تطبیق قرار خواهد گرفت. در نهایت خاطر نشان میسازم که تصامیم نهائی در موضوعات سر نوشت ساز کشور کاملاً منوط به اراده آزاد مردم ماست که بدون فشار و تسلط اجنبیان از طریق انتخابات واقعاً آزاد متجلی خواهد شد. هر گونه سعی در بازیچه گرفتن اراده مردم و تقلب و سازش های خائنانه و عقد معاهدات مخفی نتایج زیان بخشی برای ملت افغان، استقلال افغانستان و تمامیت ارضی کشور به بار خواهد آورد.

###

یادداشت: عقیده و طرز دید نویسنده ها و همکاران قلمی لزوماً نظر ”گفتمان“ نمی باشد

